



## آلوار آلتو

لونا لهتی

ترجمه‌ی علیرضا سید احمدیان

نشر هنر معماری قرن، ۱۳۸۷

آلوار آلتو در جوانی با کلاسیسم نوردیک (شمالی) آشنا شد و در سال ۱۹۲۰ خود را به طور کامل وقف این جریان هنری کرد. این سبک مسیر را برای فونکسیونالیسم در معماری وی هموار ساخت، که نخستین بار در ساختمان روزنامه‌ی تورون سانومات تجلی یافت، اما قواعد و قراردادهای فونکسیونالیسم برای آلتو که بیزار از نسخه‌های دم‌دستی و حاضرآماده در معماری بود، کفایت نمی‌کردند. وی در سال ۱۹۲۷ می‌گوید: «بی‌معنی‌تر از این نمی‌شود در جایی که محتوای جدیدی وجود ندارد، صحبت از خلق فرم جدید به میان آورد.» که به نظر می‌رسد این تفکر از آموزه‌های باوهاوس مشتق شده باشد. در سال ۱۹۳۵ آلتو به ایده‌ی مقدم فونکسیونالیسم یورش برد و هشدار داد که: «معماری هنر نیست که صرفاً همه‌ی این ساحت‌های گوناگون حیات انسانی را شامل شود، معماری باید به طور همزمان در تمامی این ساحت‌ها بسط و تکامل یابد. اگر چنین نشود، آنچه به دست می‌آوریم نتایجی سطحی و یک جانبه خواهند بود.

معماری ارگانیک آلتو در ویلامایره‌آ تجلی پیدا کرد: «فرم در این بنا رازی است که تن به هیچ تعریفی نمی‌سپارد.» در پایان دهه‌ی ۱۹۵۰ ساختمان‌های منعطف، سفیدشور در آثارش جلب نظر می‌کردند و کاربرد آنها در مراکز دولتی و فرهنگی شاهد نبوغ وی بودند. آلتو در سال ۱۹۵۳ این گونه نتیجه می‌گیرد که: «البته اگر نمی‌خواهیم که جامعه‌ی ما با ترافیک آلوده شود، به لحاظ روانی هیئت مهوع به خود پذیرد و به لحاظ جسمی تنش‌زا باشد.» آلتو همواره بر این نکته تأکید داشت که معمار باید خادم جامعه‌اش باشد: «شهروند در خیابان» برای او معیار همه‌ی طرح‌ها و نقشه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها بود: «احساسم این است که موقعیت‌های بسیاری در زندگی هست که سازمان اجتماعی به سببیت و درنده‌خویی تمایل پیدا می‌کند؛ وظیفه‌ی معمار آن است که شکل و ساخت محسوس‌تری به زندگی ببخشد.»

آلتو تأکید داشت که مبلمان و مجسمه‌ها نیز حتماً در زمره‌ی معماری محسوب شوند. «مبلمانی که من طراحی می‌کنم به ندرت نتیجه‌ی طراحی حرفه‌ای به شمار می‌آید. بدون تقریباً هیچ استثنایی، من مبلمان را در ارتباط با پروژه‌های معماری خودم طراحی کرده‌ام.» آلتو اغلب با شور و حرارت فراوان از جادویی سخن می‌راند که آن را عنصر لاینفک و ضروری جهت خلق و طراحی در هنر معماری برمی‌شمرد. آلتو کمی قبل از مرگ دست به کار طراحی و ساخت کلیسایی در منطقه‌ی ریولا در ایتالیا شد. تا آن زمان کلیساهای ساخت وی در خارج از فنلاند در خاک آلمان قرار داشتند که ستاینندگان وی در آنجا بسیار پرشمار بودند. سرانجام تئاتر آلوار آلتو در شهر اسن آلمان، بعد از مرگ آلتو تکمیل شد. پس از مرگ وی طرح‌های گوناگونی که برای چند کلیسا داشت را تا سال ۱۹۹۴ به سرانجام رساندند.

باشگاه کارگران، کتابخانه شهرداری، آسایشگاه مسلولین، بنیاد آرتک، منزل مسکونی و استودیو، گلدان ساووا، کارخانه‌ی سلولز و منطقه‌ی مسکونی مجاور آن، ویلا مایره‌آ، غرفه‌ی فنلاند، بیکرهاوس (خوابگاه دانشجویان)، ... کلیسای سه صلیب، مزون کاره، بلوک آپارتمانی نویه فار، سالن فینلاندیا، زندگی و آثار، نقشه و کتابشناسی بخش‌های مختلف کتاب را تشکیل داده است.